

قرائت سياسي از ژانر شعر

■ علیرضا سمیعی

هنرمند برای ما نا بودن
می‌بایست شرایط حاکم بر
عمق اجتماع خود را
بازشناسد تا خالق اثری
اصیل و حلال‌زاده باشد.

متن امروز عموماً در يك
گفتمان سیاست‌زده تولید
و تاویل می‌شود.

تصور انسان بدون پیش‌فرض‌های ناممکن است و شناخت این فرا‌گرد بغرنج (انسان) منتهای پیشینه‌ای که بر او گذشته است نامعقول است. بنابر این فرض نمی‌توان انتظار داشت که فرد بدون هیچ پیش‌پنداشتی دست به خوانش پدیده‌ها و مقولات زند. از آن طرف طبیعی است که کنکاش در پدیده‌ها از زاویه‌های گونه‌گون می‌تواند گره‌گشائی‌های مکرر را به دنبال بیاورد و این باریک‌بینی‌ها برای بازشناخت پدیدار ضروریست. مطلبی که در پی می‌خوانید سعی دارد در حد بصاعت نویسنده قرائتی سیاسی از ژانر شعر به دست دهد.

در این مقال با دو پدیده زبان و گفتار روبه‌رو هستیم، زبان غالباً به عنوان يك نظام یا مجموعه‌ای از نشانه‌ها و گفتار به معنی‌گزی‌نشی که ابراز می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این رهاورد می‌توان گفتار را پیامی دانست که به طور کلی (نه مطلق) جهت و رویکرد خود را از زبان (رمز) دریافت می‌کند. از سوی دیگر خاستگاه زبان به عنوان يك ارگان‌یسم زنده جامعه است.

در صورتی که جامعه را به عنوان يك مکانیزم پویا بررسی کنیم ذاتی کنش گر برای آن متصور شده‌ایم. با این پیش‌فرض جامعه همواره به سبب شرایط حاکم بر بوم و کلان خود به جهت‌های مقتضی میل می‌کند. این شرایط در برش‌های متنوع تاریخی متفاوت هستند و لذا تمایلات ملی نیز در دیگر زمانها دیگر گونه و مختلف است. فی‌المثل به حسب شرایط زمانی در دوره‌ای جامعه در ژرفگاه خود میل به حماسه را احساس می‌کند. بنابراین جامعه به شکلی پنهانی سمت و سویی حماسی می‌گیرد. از این رو زبان ملی نیز مخفیانه به سمت حماسه میل می‌کند. در این میان مدلهای گشتاری نیز با تمام کژ راه‌هایی که به سمت ادبیات (خاصه شعر) باز می‌کنند از این قاعده، مستثنی نیستند. زیرا حسی بودن این ژانر به صحنه گذاشتن بر ماهیت عاطفی حماسی رمزگان کمک می‌کند راز این مقوله وقتی کشف می‌شود که حادثه‌های زبانی به نسبت شرایط مستولی بر جامعه، مورد بررسی موشکافانه و تطبیقی قرار گیرند.

لازم به یاد آوری است که در هم بودگی طبقات، رده‌ها و قشرهای اجتماعی بالاخص در ایران، تمایل طبیعی هر جامعه به قرار گرفتن در حالتی از وانمودگی و مدلهای تقلبی فرهنگی مهاجم (که کشورهای جهان سوم را دچار نوعی از خود بیگانگی فرهنگی می‌کند)، در بهترین حالت از ابتدایی‌ترین مشکلاتی هستند که يك جامعه‌شناس هنری را به چالش می‌کشند. به هر تقدیر مرجع شناخت و بررسی دالها، مدلولها هستند و در ادبیات البته مدلولهای ثانویه مطمع نظر قرار گرفته‌اند، هم اینجاست که این مدلولهای ضمنی (ثانویه) به جهت تمایلات مثلاً حماسی مخاطبان، جهت‌های حماسی می‌گیرند. به این معنی که جامعه همچون متنی گسترده وارد بازی می‌شود و بافت موقعیتی برانگیزاننده را در خودش پیکر بندی می‌کند و در رویه کنش ادبی، مدلولهای خاصی را (مثلاً حماسی) فرا می‌خواند. مگر نه اینکه اقتدار مخاطب در خوانش اثر در تلقی وی از ژانر شعر نهفته است و مگر نه اینکه پنداشتهای مخاطب تحت‌الشعاع جامعه صورت بندی شده‌اند؟ هر گاه، به خاطر بیاوریم که شاعر نیز در همان دوره و تحت تاثیر همان شرایط تاریخی می‌زیسته، این مطلب که او از زبان قبلاً حماسی شده استفاده کرده است، به شکل هر چه روشنتری خودنمایی می‌کند. این در حالی است که ما می‌دانیم شاعر حتی قبل از استفاده از آن زبان، در همان زبان تربیت شده است.

به هر روی گفتار حتی در شرایط متعالی و متحول خود که شعر است نتیجه و محصول زبان است. با توجه به توضیحاتی که رفت، حتی این فرض که شعر، فرایندی در ذات زبان و جدای از گفتار است نیز لطمه‌ای به این ایده وارد نمی‌کند. چرا که مولف، متن و مخاطب حتی در موقعیتهای حاد پسا -- پیشا عقلی نمی‌توانند از حلقه‌هایی که به زمینه محیطی خویش دارند رها گردند و این نیست مگر به خاطر این دلیل ساده که شالوده هر کدام از آنها در این محیط و تحت تاثیر همین محیط شکل گرفته است. این به معنی فرو کاهش ادبیات (شعر) به حد يك محصول ساده اجتماعی نیست.

از آن جایی که شناخت برش تاریخی و بومی‌ای که شاعر در آن زیست می‌کند برای وی حیاتی است، ایده مذکور قابل اعتنا و اتکا به نظر می‌رسد. هنرمند برای ما نا بودن می‌بایست شرایط حاکم بر عمق اجتماع خود را بازشناسد تا خالق اثری اصیل و حلال‌زاده باشد. از این رو دریافت این واقعیت که جامعه و تبع آن زبان در دهه‌های اخیر، غالباً کارکردهای سیاسی به خود گرفته است با اهمیت جلوه می‌کند.

دیر زمانی است که تنش‌های سیاسی دامن این سرزمین را گرفته‌اند و فضاهای بینا فردی را تحت تاثیر قرار داده‌اند. با عنایت به این وضعیت که امروز جهان شبیه يك صفحه شطرنج کرویست. حرکت زبان به سمت سیاست امریست طبیعی، از طرفی ما امروز با همین زبان سیاسی تربیت شده و می‌شویم. به همین دلیل تمایلات سیاسی در ژرفنای آثار ادبی نمی‌توانند امری غریبه به شمار آیند. این بدان معنا نیست که شعر امروز لزوماً سوبه‌های سیاسی تام به خود گرفته است یا شاعر باید گرایش سیاسی خاصی داشته باشد. این به آن معناست که متن امروز عموماً در يك گفتمان سیاست‌زده تولید و تاویل می‌شود و

شاعر تنها قرار است از این مقوله آگاه باشد. چه این که این آموزه خود می‌تواند بعداً به او امکاناتی را پیشنهاد کند که پیش از این برایش یافت نمی‌شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی